



سعید آزر می

مطالعه و تحقیق

انگیزه نیز مزید بر علت است. «هنری میلر» نویسنده بزرگ معاصر گفته است: «هنر کتاب نخواندن. خود هنر بزرگی است! یعنی هنر اینکه چه کتابهایی را نباید خواند.» مگر نه اینکه بسیاری از کتابها تنها به درد تورتق می‌خورند و رفع ترقق! دیگر نمی‌توان با «ابوالفضل بیاهی» هم آواز شد که «هرکتابی به یکبار خواندن بیارزد». قطعاً نعطی افکار و تبادل آثار موجبات ارتقای فهم و بینش عام را فراهم می‌آورد و حیات جمعی را دلپذیرتر می‌سازد ولی چگونه می‌توان در این امر مهم توفیق یافت؟

پاره‌ای از تحقیقات نشان می‌دهد که حدود هشتاد درصد از کتابهای مفید و علمی در سال توسط کشورهای که تنها سی درصد جمعیت دنیا را در خود دارند، منتشر می‌شود؛ یعنی همان کشورهای که به لحاظ اقتصادی و صنعتی پیشرفته‌اند. می‌گویند هدف از کتابخوانی، آموختن نکته‌های تازه و بدیع یا استواری آموخته‌های پیشین است اما برخی معتقدند که انگیزه‌های افراد از کتابخوانی، آموزش، راهیابی برای حل مشکلات، گسترش افق معلومات عمومی و تفریح و تفتن و بعضاً علاقه‌مندی به مسائل سیاسی، اجتماعی است. بهر تقدیر، اگر مطالعه برای کسب اکمال نباشد، ابزار رفع ملال که هست. بعضی از محققان علت اصلی عدم رغبت به مطالعه و تحقیق را به روش آموزشی و سیستم آموزش و پرورش عمومی مربوط دانسته‌اند و می‌گویند با سواد آموزی لزوماً کتابخوانی را به همراه دارد

کتاب، حامل میراث فرهنگی و کارنامه شورانگیز کمال انسانی است. تردیدی نیست که انسان حریص دانستن است اما دانایی آسان به دست نمی‌آید. بعلاوه علم، بسیار و عمر اندک است و کثرت انتشارات و کمبود فراغت، محقق را در امر مطالعه و تحقیق به گزینش ناگزیر می‌سازد، چرا که کتاب خواندن و تحقیق، وقتی خوش و خیالی آسوده می‌طلبند. روزگاری چنان فراغتی بود که «ویل واریل دورانت» نویسندگان مجموعه عظیم تاریخ تمدن طی پانزده سال تحقیق و سفر، برای تدوین میراث فرهنگی بیست تمدن جهان در طول چهار هزار سال فرهنگ و تمدن بشری، روزی هشت تا چهارده ساعت با شور و اشتیاق فراوان تلاش می‌کردند تا آنجا که برای نوشتن هر جلد کتاب تاریخ تمدن، حدود پانصد جلد کتاب می‌خواندند. اما امروز دیگر چنین فرصتی نیست؛ اشتغال، بزرگترین حجاب اندیشه در عصر ماست و به قول اینشتاین بزرگترین دشواری انسان، اندیشیدن است.

مردم معمولاً در پی کاری هستند که زحمت اندک و درآمد بسیار داشته باشد و از هر آنچه که بر درد و اندوه آنان بیفزاید، گریزانند و صد البته دانایی و هشیاری، درد و تعهد می‌آورد. «دکارت» گفته بود: «در خرد بسیار، اندوه فراوان نهفته است؛ هر که بر خرد بیفزاید، بر اندوه خویش می‌افزاید». گذشته از این در عصر ما بدیده انفجار مطبوعات، نه فقط کتابخوانی، بلکه تهیه و خرید آن را نیز دشوار ساخته است. نقصان مایه و فقدان

بنگر والا تسبیح و تنزیه تو مورد قبول واقع نخواهد شد.

حضرت داوود «علی نبینا وآله وعلیه السلام» در جمله زیبایی چنین می فرماید: «ترك اللقمة مع الشوق والضرورة احب الی من قیام عشرين لیلة». اگر یک لقمه حرام بدست من برسد و من علی رغم میل و شوق قلبی خویش از آن چشم ببوشم، چنین عملی نزد من از بیست شب قیام و شب زنده داری لذیذتر و ارزنده تر است.

*** یکی از مفاهیم «جهاد فی سبیل الله» که در آیات قرآن مکرر از آن یاد شده است، دقت در خویشستن و زدودن رذایل اخلاقی از وجود خویش است.**



امیدواریم خداوند به همه ما توفیق طاعت و بندگی عنایت فرموده و سعادت دنیا و آخرت را نصیبمان فرماید.

• پی نوشتها:

۱- سوره فاطر، آیات ۵ و ۶

۲- سوره انفال، آیه ۳۳

۳- سوره فرقان، آیه ۲۳

ادامه سرمقاله

یعنی هر چه مردم با سوادتر باشند، کتابخوان ترند و دسته ای دیگر محیط اجتماعی و فرهنگی را عامل مهمی در کتابخوانی تلقی می کنند زیرا به نظر آنان مطالعه و تحقیق علمی، نیازمند محیطی سالم برای عرضه افکار است؛ یعنی هر چه فضای تعاطی افکار سالمتر و بازار مباحثه و نقادی داغتر باشد، مطالعه و تحقیق رونق بیشتری خواهد یافت. این گروه به شرایط انقلابها و تحولات بنیادی جوامع استناد می کنند؛ چنانچه تنها در سال ۱۳۵۷ حدود یکصد میلیون نسخه کتاب در ایران اسلامی چاپ و توزیع شد. تجربه نشان داده است که شرایط اجتماعی نه تنها بر کمیت انتشارات بلکه بر کیفیت موضوعات مورد مطالعه نیز تأثیری عمیق دارد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، کتابخوانی به عنوان یک ارزش مطرح و کتابخوان از اعتبار و شخصیت اجتماعی خاصی برخوردار شد، ولی بتدریج انگیزه ها کم رنگتر و مطالعه و تحقیق با اقبال کمتری روبرو شد. البته عوامل مختلفی در این امر مؤثر بود؛ مثلاً جنگ تحمیلی فرصت ها و فراغت ها را تحت الشعاع قرار داد و بسیاری از جوانان اهل مطالعه، آرامش خلوت کتابخانه و محیط علمی را به شوق حضور در صحنه های پر شور جهاد و دفاع مقدس رها کردند و ضرورت نیز چنین ایجاب می کرد.

در سالهای اخیر، کمبود امکانات و تسهیلات چاپ و نشر و گرانی کتاب و مطبوعات، مطالعه و تحقیق را در ایران دچار

بحران نموده است. عمق فاجعه در آموزش و پرورش بیشتر درک می شود؛ غالباً مشاهده می شود که معلمان و مربیان فرصت و رغبت کافی برای مطالعه ندارند و کتابخانه ها و پژوهشگاهها در مناطق و مدارس تنها جنبه صوری و تشریفاتی پیدا کرده اند. معلوم نیست این سنت نامطلوب برای سرزمینی که مهد فرهنگ و تمدن بوده است، تا کی ادامه خواهد داشت. به نظر می رسد باید علاوه بر فراهم نمودن امکانات و تسهیلات چاپ و نشر، انگیزه کافی برای مطالعه و شرایط لازم جهت تحقیق و پژوهش فراهم شود و تحقیقات بنیادی مورد حمایت جدی قرار گیرد و علم جایگاه، و عالم پایگاه خود را باز یابد. ملخص کلام اینکه جامعه شناسی کتاب و روشهای تحقیق و پژوهش جدی گرفته شود. فراموش نکنیم که پیشرفتهای علمی دنیای غرب، بخاطر نبوغ آنان نبوده بلکه مرهون متد و روشی است که به کار گرفته اند. تا این بنیادها شناخته نشوند، هرگونه سرمایه گذاری در عرضه کتاب و تبلیغ برای علم و تحقیق، بی فایده و آب در هاون کوبیدن است و کلام آخر اینکه هرگاه کتاب در ویرترین کتابفروشیها و قفسه کتابخانه ها زندانی شود؛ باید در اشتیاق عمومی برای کسب آگاهی و کمال انسانی تردید نمود.

والله الهادی الی سبیل الرشاد